

دیپلمات‌ها



موشک‌های ایرانی در روسیه نیست

رئیس اداره اطلاعات نظامی اوکراین در اظهاراتی ادعاهای غرب مبنی بر استفاده روسیه از موشک‌های بالستیک ایرانی در جنگ اوکراین را رد کرد. به گزارش ایسنا، کارلو بودانوف، رئیس اداره اطلاعات نظامی اوکراین ادعاهای غرب درباره انتقال موشک‌های دوربرد از ایران به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین را رد کرده و تاکید کرد، این اطلاعات واقعیت ندارند. خبرگزاری رویترز پیشتر با نقل قول از ۶ منبع مطلع مدعی شده بود ایران حدود ۴۰۰ موشک بالستیک به روسیه فرستاده است و تحویل آن‌ها، احتمالاً در ژانویه ۲۰۲۴ و در پی مذاکرات میان تهران و مسکو انجام شد. بودانوف اما می‌گوید «آن‌ها موشک‌های ایرانی (انجا نیستند، هیچ‌یک از این‌ها با واقعیت مطابقت ندارد.»



شرم‌آورترین بحران اخلاقی و انسانی

حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پنجاه و پنجمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو، گفت: «جمهوری اسلامی ایران بر مبنای باورها و ارزش‌های ملی و اسلامی، در پایبندی و احترام به حقوق بشر و کرامت انسانی ثابت قدم است.» به گزارش ایرنا، وی افزود: «متأسفانه تحقق اهداف متعالی حقوق بشر در عرصه بین‌المللی با چند چالش مهم مواجه است که فوری‌ترین آن انسان‌کشی نظام‌مند و گسترده توسط تنها رژیم آپارتاید جهان، یعنی رژیم اشغالگر و ستیزه‌جوی اسرائیل است.» امیرعبداللهیان ادامه داد: «در واقع باید بپذیریم که جهان با شرم‌آورترین بحران اخلاقی و انسانی روبه‌رو است که البته نتیجه ۸۰ سال حمایت همه‌جانبه و اغماض نسبت به اشغالگری استعمارگرانه و نقض مستمر و مهلک حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین است.» وی خاطرنشان کرد: «امروز جهان شاهد حمایت همه‌جانبه ایالات متحده آمریکا و برخی متحدین آن از رژیم صهیونیستی است؛ حمایتی که همدستی واقعی در نسل‌کشی محسوب می‌شود. شورای حقوق بشر سازمان ملل به‌عنوان عالی‌ترین تجلی اعلامیه جهانی حقوق بشری می‌بایست رژیم صهیونیستی و حامیان آن را در قبال جنایات ضدبشری خود پاسخگو نماید.»



اسرائیل نمی‌تواند برنامه هسته‌ای ایران را نابود کند

نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی به ناتوانی این رژیم در ضربه‌زدن به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اذعان کرد. به گزارش ایسنا، «ایهود اولمرت» نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی روز یکشنبه اذعان کرد: «اسرائیل تنها می‌تواند به جاده‌ها یا پل‌ها ضربه بزند، اما در واقع تجهیزات یا مهماتی که بتواند به برنامه هسته‌ای ایران آسیب برساند را در اختیار ندارد.» طبق گزارش شبکه روسیا الیوم، اولمرت در این باره گفت که نیروی هوایی رژیم صهیونیستی نمی‌تواند با حمله نظامی، برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کند؛ چراکه بمب و هواپیما با برد کافی ندارد. او ادامه داد: «تأسیسات هسته‌ای ایران ۵۰ تا ۶۰ متر زیر زمین قرار دارند و همین مسئله باعث شده است که در برابر هرگونه حمله نظامی در امان باشند.»

جهانی، اندیشه‌ای که مبتنی بر برنامه‌ای برای تأمین منافع ملی نباشد که ضابطه هر عمل سیاسی است، تفکری سیاسی و جناحی است و مسیر سیاست خارجی را به بیراهه هدایت می‌کند. شاخصه مهم تبیین علمی آگاهی به سرشت حقیقی امور جهان و تدوین چارچوبی معنادار در تفسیر چرایی وقوع رویدادها است. روش و معرفت‌شناسی علمی به شالوده توضیح منسجم امور پیچیده جهان و برقراری نسبت‌های معنادار بین آنها استوار است. به بیانی دیگر روش علمی سعی بر آن دارد تا سرشت حقیقی امور جهان را بر بنیاد منطق راستین آن‌ها تبیین کند و از مجرای آن پرتویی بر پیچیدگی‌های امور بیافکند. این رسالت تنها با در پیش گرفتن روشی عینی در تبیین و آگاهی انضمامی و پیراستن نظرات از غرض‌ورزی‌های سیاسی امکان‌پذیر است. در مواجهه با امور جهانی روش علمی راستین تنها به چرایی مستقیم رویدادها و استخراج پیشینه‌های علی بسنده نمی‌کند بلکه پیوسته این پرسش را پیش می‌کشد که معنای این امر در امور جهانی چیست؟ با طرح چنین پرسشی تفکر علمی در سیاست در پی کشف علل فلسفی نیست بلکه حقیقت امور را در نسبت آن با منطق سیاست جهانی درک می‌کند. تفکر علمی بر آن است که هر رویدادی در سیاست جهانی از مجرای «کلیتی» ۱ خواه در مفهوم نوعی قانون «طرح‌بندی» ۲ و خواه به مفهوم یک اصل نظام‌پردازی شکل می‌گیرد. از این روی در هر رویداد به ظاهر منحصربه‌فرد، الگویی نهفته است که تفکر علمی در پی بهره‌برداری از آن است. نگرینستن به امور جهانی از این منظر به معنای شرح و وصف این امور نه در مقام واحدی تک‌افزاده و قائم‌بالذات بلکه به‌منزله جزئی از ساختار وسیع‌تر است؛ به بیانی دیگر تبیین موقعیت آن امر در درون ساختار کلان‌تر. از مجرای چنین تفکری، سیاستمدار درمی‌یابد که معنای هر رویدادی را تنها می‌توان با در نظر داشتن نظامی که این امر بدان تعلق دارد تبیین کرد. خطر زیانبار در این مرحله رسوخ منافع ایدئولوژیک در استخراج الگوهای حاکم بر امور جهانی است. تلاش برای شاکله‌مند کردن رویدادهای سیاست جهانی از دریچه تنگ ایدئولوژی‌های سیاسی سبب انحراف در درک حقیقی امور جهانی و در نتیجه پیراسته شدن تفکر به غرض و دورماندن از مسیر حقیقی حرکت جهانی خواهد شد.

۱. درک امر واقع به جای امر برساخته: سیاست خارجی عرصه رویارویی با امور واقعی و تعیین‌یافته است. موضوع تفکر سیاست خارجی چیزی جز امور واقع و اثرگذاری پویایی‌های جهانی بر منافع ملی کشورها نیست. کل فهم سیاست جهانی فهمی از جهان پیش‌رو و نیروهای تعیین‌کننده مسیر آن است. سیاستمدار در این جهان نیازمند آگاهی از نیروهای حقیقی تعیین‌کننده سرشت امور و تدوین استراتژی مقتضی برای بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله با محدودیت‌های ممکن است. درک واضح هر پرسش و چالشی در سیاست جهانی مستلزم فهم طبیعت موضوعی است که پرسش مذکور با آن سروکار دارد. موضوعات جهانی همگی از دسته امور واقعی و استوار بر نیروی تعیین‌کننده قدرت در راستای تأمین منافع ملی هر کنشگر هستند. حقیقت قوام‌بخش سیاست جهانی نه‌فراورده‌هایی ذهنی بلکه محصول نیروهای مادی است؛ نیروهایی که با بررسی عینی و علمی می‌توان اندازه و ماهیت آن‌ها را تعیین کرد.

شوربختانه ناآگاهی از خاستگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل و فقدان التفات بدین حقیقت عام که «هر نظریه‌ای در راستای هدفی و در جهت تأمین منافع» ۱ تدوین شده، سبب شده است تا بسیاری از تحلیل‌گران و به تبع آن‌ها خبری سیاستمداران در اثر افت پیروی از مذهب فکری، نظریه‌هایی را که در عرصه‌های دیگر و برای تبیین موضوعاتی به جز سیاست تدوین شده‌اند، به عرصه تحلیل سیاسی وارد کنند و با تفریراتی از این دست که واقعیت‌ها اموری برساخته هستند و اینکه حقیقت مسائل جهانی ماهیتی بین‌ذهنی و معنایی دارند، سیاست‌ورزی را به بیراهه هدایت کنند. گسترش و پیروی از نظریه‌های پست‌مدرن در فقدان التفات به خاستگاه و کارکرد این نظریه‌ها سبب شده تا تکرار گزاره‌های بی‌ارتباط آن‌ها مبنای تحلیل و حتی عمل سیاستمداران فرا گیرند. بی‌آنکه بخواهیم سوه‌مندی این نظریه‌ها را در عرصه‌های دیگر یکسره منکر شویم، باید بر این حقیقت گردن نهیم که مبنای عمل سیاست جهانی و منطق رفتارهای کنشگران نه عوامل ذهنی و معنایی بلکه نیروهای مادی تعیین‌کننده قدرت و جایگاه هستند. با استغراق در نقوش کلمات و مفاهیم پرطمطراق و در بیشتر موارد بی‌معنای نظریه‌های پست‌مدرن سیاست‌ورزی از رسالت حقیقی خود دور و هر چه بیشتر به مفاک نابودی سیر خواهد کرد. در عرصه سیاسی یک گزاره نظری در صورتی درست خواهد بود که به سیاستمدار کمک کند رفتاری را در مسیر تأمین منافع ملی انجام دهد. برهان درستی نظریه در این عرصه ارزش نقدی آن از حیث کمک به انجام عملی برای تأمین منافع ملی است. از این نظر، معیار صدق و کذب نظریه‌ها راه‌گشا بودن آن است. با پرداخت گزاره‌هایی چون نسبی بودن شناخت و یا منتع بودن کوشش برای شناخت حقیقت جهان و حتی فراتر از آن، انکار هرگونه حقیقتی، سیاستمداران تنها در پی عملی و پریشان‌گویی‌زندی خواهند شد. بی‌تردید شناخت ما از پدیده‌های جهانی هیچ‌گاه ناپرده برداشتن از حقیقت امر پیش نخواهد رفت. شناخت ما از واقعیت‌های جهان سیاست به مانند عکس گرفتن نیست بلکه همچون نقشه‌برداری از واقعیت است؛ نقشه‌ها می‌توانند مفیدتر، توضیح‌دهنده‌تر، تفصیلی‌تر یا جامع‌تر باشند ولی نه هیچ‌یک کاملاً مطابق امر واقع‌اند و نه کاملاً بی‌ربط با آن. تنها معیار شناخت نیز سوه‌مندی آن برای تأمین منافع ملی است. بدین‌سان اسیر شدن در توهمات همچون برساختگی امور تنها انحراف از مسیر حقیقی شناخت و هدررفت منابع است.

پی‌نوشت‌ها:
۱- A Totality
۲- Pattering

۷ ضرورت رفع دکماتیسم در سیاست خارجی: عرصه سیاست بین‌الملل همواره متغیر کنش است. در این عرصه «هر چه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود،» البته این به معنای فقدان اصولی پایدار در عرصه سیاسی نیست، مقصود این است که حتی وجود اصولی پایدار در سیاست خارجی نباید سبب غفلت از سرشت متغیر امور شود. با التفات به این سرشت ناپایدار عرصه سیاست بین‌الملل، منطق سیاستگذاری نیز باید تغییر و بازنگری را همواره مطمح‌نظر قرار دهد. هیچ‌فراورده‌ای از سیاست جهان را نمی‌توان به شیوه‌ای «بی‌زمان» تحلیل کرد؛ تعبیر و تفسیر امور در عرصه سیاست جهانی نیازمند استناد دادن شاخصی زمانی به هر یک از این امور است یعنی ارتباط‌دادن آن امر به یک چارچوب مقید در زمان، هنگامی که به بررسی «مستند» کنش‌ها و رفتارها در سیاست جهانی می‌پردازیم، بی‌تردید با دیدگاهی جامع و کلی یعنی با «جهان‌بینی» فاعلان آن کنش‌ها و رفتارها سر و کار خواهیم داشت. این فراگیرترین کلیت است که در پس امور جهانی باید به آن پرداخت. تبیین امور جهانی را نمی‌توان یکبار برای همیشه به شیوه‌ای پایدار و جاودانه انجام داد. تبیین و تفسیر مستند امور جهانی را باید در هر دوره‌ای از نو به اجرا درآورد. سیاستمداری می‌تواند به درک معنای امور جهانی توفیق یابد که بدین سرشت تفکر التفات داشته باشد. درک جهان‌بینی فاعلان نیز نیازمند پذیرش و اصالت آن در جهان اندیشه و تلاش عینی برای درک معمای نهفته آن است. پذیرش جهان‌بینی‌های حاکم، خود به درک حقیقی از سرشت تاریخی که در درون آن قرار گرفته‌ایم وابسته است. شناخت تاریخ نیز به معنای مقید کردن امور به جایگاهی در درون فرآیندی تاریخی و همواره در حال تکامل است. تمامی دعوی‌های مربوط به شناخت بدهی امور مطلق‌پنداری بیش نیستند. هر دوره تاریخی در سیاست بین‌الملل بازتاب‌دهنده تأثیر متقابل نیروهای تاریخی و اجتماعی است؛ امری که بسته به تحولات نیروهای قوام‌بخش ساختار جهانی یعنی قدرت مادی و معنایی همواره در سیلان است. هدف از آگاهی به تغییر در نظام بین‌الملل آن است که از درون این پویایی‌های مداوم و چندسویه، ساختار تعادل درونی آن و الگوی تدریجاً تغییر‌یافته‌اش بیرون کشیده شود. به بیانی دیگر التفات به این امر واقع که سیاست جهانی استوار بر اصل قدرت از الگویی ویژه از تغییر در دوره‌ای پیروی می‌کند و بر سیاستگذار است که چنین الگویی را استخراج و عمل سیاسی را بر منطق این الگو استوار کند.

۸ تدوین استراتژی کلان بر بنیان تعریفی متوازن از هویت ملی: سیاست خارجی عرصه تلاش برای تأمین منافع ملی از مسیر اتحاد، همکاری، رقابت و در برخی موارد تعارض با سایر کنشگران است. بی‌تردید هر کنشگری در عرصه سیاست بین‌الملل نیازمند ائتلاف و حتی اتحاد برای تحقق اهداف و منافع ملی است. گرچه واقع‌گرایان به درستی بر آن هستند که ماهیت اتحادها نیز بیش از هر چیز بر عامل قدرت و تلاش برای تعریف تهدیدی مشترک استوار شده است اما نباید این حقیقت این درک را به محاق تعطیلی کشاند که اتحادهای پایدار افزون بر عامل قدرت و تهدید مشترک نیازمند تعریفی از هویت و تعمیق روابط بر مبنای خود و دیگری هستند. به بیانی دیگر تمامی اتحادها در عرصه سیاست جهانی از بُعدی معنایی و هویت‌مبنای پیروی می‌کنند. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نمونه امروزی چنین اتحادی است. این سازمان که ابتدا برای مقابله با تهدید شوروی و جهان کمونیسم شکل گرفت، حتی در پس فروپاشی جنگ سرد و از بین رفتن تهدید کمونیسم، همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد و سودای گسترش را نیز در سر می‌پروراند. در کنار وجود برخی تهدیدات به نظر می‌رسد نیروی پیرشان ناتو اکنون نه‌وجود تهدیدی فوری بلکه قوام این اتحادیه بر مبنای تعریفی از جهان غربی در برابر دیگران غیرغربی است.

اگر در این اندیشه مجادله نکنیم که اتحادها اکنون بخشی جدایی‌ناپذیر از استراتژی دولت‌ها هستند، باید بدین اندیشه بازگردیم که هرگونه اتحادی نیازمند تعریفی از خود و عرصه آن است. دولت‌ها برای اتحاد نیازمند شناختی از خود و دیگران و آگاهی به ژرف‌بنیادترین نیروهای تعیین‌کننده هویت‌های ملی برای اتحاد و همکاری هستند. نوسانات سیاسی و تلاش برای تعیین هویت‌ها براساس منافع حزبی و کوتاه‌نظرانه دیگران را از اتحاد و همکاری بازمی‌دارد. تعریف از خود در مقام کنشگری با هویتی تعیین‌شده نیازمند استوار کردن هویت براساس آگاهی ملی است. به بیانی دیگر، تعریف از خود تنها از مسیر التفات به آگاهی و سرنوشت ملی امکان‌پذیر است. آگاهی و سرنوشت ملی هر ملتی نیز تنها در مسیر تاریخ قوام یافته و تعیین می‌شود. بدین‌سان بر سیاستمداری فرض است که با آگاهی از تاریخ در مقام محل‌تکوین آگاهی ملی، سرنوشت کشور خود را رویارویی با سایر کشورها تعیین کند. ناگفته پیداست که تعریف از هویت نیازمند آگاهی و پذیرش تمامی نیروهای تعیین‌کننده در طول تاریخ است و تقلیل هویت به وجهی خاص با اهداف سیاسی و ایدئولوژیک مانعی سترگ بر سر راه اتحادها است.

۹ تمایز اندیشه ایدئولوژیک از اندیشه علمی: ایدئولوژی‌های سیاسی ابزاری برای پیکار سیاسی هستند و جایی در اندیشه راستین ندارند. برداشت ایدئولوژیک و سیاسی زده از منطق امور و جریان حرکت تحولات در عرصه نظام جهانی، اندیشه درباره منافع ملی را در سرائشی بی‌خردی و سخافت فرومی‌غلطانند. اتکاء به ایدئولوژی‌های سیاسی وارداتی بدون درک خاستگاه و مقصود آن‌ها، سبب می‌شود تا اندیشه استراتژیک استوار بر تعریف و تدوین منافع ملی، زندگی و زاینده‌گی خود را از دست بدهد. همه کسانی که کوشش کرده‌اند منطق امر سیاسی را از دریچه تنگ ایدئولوژی درک کنند، اندیشه‌ها را در مسلخ ایدئولوژی و منافع شخصی و حزبی قربانی کرده‌اند. تبیین ماهیت حقیقی تحولات در عرصه جهانی از دریچه ایدئولوژی‌های سیاسی از بنیاد کوششی منتع است. در مناسبات

اهداف و مقاصد استراتژیک است. بی‌تردید احزاب و جناح‌های سیاسی در هر کشوری برای جذب افکار عمومی و پیروزی در انتخابات و رسیدن به قدرت، سعی بر آن دارند تا با تعریفی ویژه سیاست خارجی را در مسیری معین هدایت کنند. افتراق نظر بر سر ابزار و مسیرهای تأمین منافع ملی در سیاست خارجی امری بدهی و اصلی بی‌نیاز از تفسیر است. نظرگاه‌های سیاسی همواره به درهم تابیدن منافع سازمانی و ملی و ابعاد تحلیلی و هنجاری گرایش دارند و نمی‌توان چنین وجهی را از ماهیت کنش‌های سیاسی پاک کرد. از مطالعه تاریخ رقابت‌های سیاسی در تمامی کشورها، چنین برمی‌آید که در هم‌تندگی برداشت‌های سیاسی از اهداف و ابزار مطلوب تأمین منافع ملی در سیاست خارجی امری اجتناب‌ناپذیر است. با وجود این، سیاق فاجعه‌آمیزی که در برخی کشورهای جهان معمول شده است، تضاد بنیادین گروه‌ها در تعریف اهداف استراتژیک و منافع ملی است. فقدان اشتراک‌نظر بر سر اصول پایدار کنش‌ورزی در سیاست بین‌الملل و مهم‌تر از آن فقدان اجماع بر سر مطلوب‌ترین اهداف و منافع ملی و تقلیل آن به پیکارهای سیاسی، خُسرانی جبران‌ناپذیر است. فروکاستن منافع ملی به منافع فردی و گروهی که هدفی جز کسب قدرت در پیکار سیاسی ندارد، کشور را از مسیر قدرت‌یابی پایدار و تأمین اهداف استراتژیک فرسنگ‌ها دور خواهد کرد. با وجود هر میزان از اختلاف در تعریف ابزارها و مسیرهای هدایت سیاست خارجی، اجماع‌نظر بر تعریف منافع ملی امری ضروری برای هر کشوری است که بقاء و پیروزی در عرصه سیاست بین‌الملل را فرآید خود قرار داده است.

۶ اجتناب از توده‌ای شدن سیاست خارجی: نظام‌های سیاسی و نخبگان تصمیم‌ساز از آنجایی که نمی‌توانند ارزش‌ها و منافع ملی راستین را تشخیص دهند، در رفتارشان از توده پیروی می‌کنند. خطرناک‌تر آنکه در محافل و مراکز علمی همچون دانشگاه‌ها نیز ناگامی در تشخیص ماهیت حقیقی اهداف و منافع ملی و ناتوانی در تبیین آن سبب می‌شود تا پژوهش‌ها به پیروی از اهداف شعاری و عوام‌زده میل کنند. توده‌ای شدن سیاست به‌ویژه سیاست خارجی سبب می‌شود تا مجال برای انعطاف‌پذیری‌های ضروری در عرصه عمل و بازبینی در برخی اهداف در بزنگاه‌هایی مقتضی محدود شود. گسترش سیاست خارجی در بین عامه مردم و تثبیت شرایطی که در آن هر کنششی در این عرصه بر زیست داخلی اثری نیرومند داشته باشد، میدان دیپلماسی را تنگ و ابتکارهای سیاسی را دشوار می‌سازد. به مصداق برهان خلف می‌توان گفت، هر چه سیاست خارجی در حلقه‌های محدودتر و نخبه‌گرایانه‌تر تدوین و هر چه اثرگذاری آن بر زندگی روزمره مردمان در داخل کمتر باشد، مجال انعطاف‌پذیری و امکان بازنگری‌های ضروری در اهداف و ابزار دیپلماسی بیشتر خواهد شد. پیروی از شعارهای توده‌ای برای دست‌رسی به قدرت و استوار کردن بنای سیاست خارجی بر چنین شعارهایی به مقصودی جز ویرانی منافع ملی و هدررفت منابع منتهی نخواهد شد.



عکس: ایرنا